



ماهنه دانشجوئی تحریر دانشگاه فرهنگیان
۵۱ T A H R I R

انجمن چرا روشن است



دانشگاه فرهنگیان

- جهاد، عرصه امید و خدمت
- پدافند های دفاعی انقلاب در آموزش و پرورش
- رویای عدالت آموزشی به کابوس بدل می شود؟
- هر دانشگاه یک قرارگاه
- دانشگاه سالمندان یا دانشگاه فرهنگیان؟
- آیا به راستی مرغ همسایه غاز است؟



نشریات بسیج دانشجویی جزو پُرمایه‌ترین و
غنی‌ترین نشریات باشد که هر دانشجویی یا هر
استادی یا هر کسی بیرون از محیط دانشگاه آن را
نگاه کرد، از آن استفاده کند؛ این جزو نیازهای
شماست.

دیدار رهبر انقلاب با بسیج دانشجویی



راه ارتباطی

@Nashryeh_tahrir97



تحت



شناسنامه

شماره ۵۱ / نشریه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تحریر

بسیج دانشجویی پردیس شهید باهنر اصفهان: صاحب امتیاز

محمد مرادی چادگانی: مدیر مسئول

محمد مهدی بزرگیان: سردبیر

صفحه آرا: امیر محمد بهارلوئی @aghaye_moallem @aghayemoallem

طراح جلد: علی اسکندری انالوجه

روابط عمومی: فاطمه شبانی

رضا احمدی بنی: دبیر کارگروه سیاسی و اجتماعی

مهرداد دهقانی فیروز آبادی: دبیر کارگروه علمی و پژوهشی

پروین بهرامی: دبیر کارگروه هنری و ادبی

هیئت تحریریه: رضا احمدی بنی، مهرداد دهقانی فیروز آبادی، علیرضا باقری، سید حسین موسوی نیکو، محمد حسین سیفی، خادم الشهدا، آلاء، پرینا کیلانی، فاطمه کاظمی، فاطمه صفرپور خینعرب، زهرا نصر، رستا محسن پور، پرینا شیروم، فائزه نظری

فاطمه ابن علی: دبیر کارگروه ویراستاری

ویراستاران: فاطمه ابن علی / نگار ارشدی / مهرداد دهقانی فیروز آبادی / محمدرضا سبکتکین / زهرا یوسفی / احانیه احرانی / زهرا هاشمی نژاد / عارفه کرجی / رویا هاشمی نژاد

نجمه عربصالحی: دبیر کارگروه رسانه تحریر

کارگروه رسانه ای: سیده راحله خاقانی، زهرا هاشمی نژاد، رویا خلیلی

رستا محسن پور: دبیر کارگروه رادیو تحریر

کارگروه گویندگان: سید رضا موسوی، فائزه نظری، مرضیه عسگری

نویسندگان: محمود فروتن، فاطمه صفرپور خینعرب، آلاء



فهرست



از کارآمدی تا اثربخشی!	۵
رویای عدالت آموزشی به کابوس بدل می شود؟	۷
دانشگاه سالمندان یا دانشگاه فرهنگیان؟	۸
آرمان و روح الله رفتند تا آرمان روح الله بماند!	۹
نزدیک قله ایم؛ خستگی ممنوع.	۱۰
عاشق شوید! زندگی به عشق است.	۱۱
در دل خاکریز، اشک بریز.	۱۲
بهار مهر	۱۳
هر دانشگاه یک قرارگاه	۱۴
پدافندهای دفاعی انقلاب در آموزش و پرورش	۱۵
جایگاه های امید	۱۶
جهاد، عرصه امید و خدمت	۱۷
حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید	۱۹
از من بپرس!	۲۰
رادیو تحریر	۲۱





سخن مدیرمسئول

در اواخر دهه هشتاد و اوایل دهه نود، سیمای جمهوری اسلامی کارتون‌ی را در قاب تلویزیون به نمایش می‌گذاشت که بسیار تماشایی بود. در میان تمام افکار و مشغله‌های امروز ذهن من، تصویر روشن «بلیک و مورتیمر» می‌درخشد. دقیقاً ساعت سه بعد از ظهر در همان روزهای پائیزی دلچسب وقتی که همه بعد از ناهار خواب بودند من غرق در تصویری می‌شدم که زیستن در آن رؤیای دلپذیری بود. فلیپ مورتیمر یک دانشمند همه چیز دان با یک پیپ بزرگ در گوشه لب بود و فرانسیس بلیک یک افسر زبده که همیشه یک اسلحه کمری به همراه داشت. این برادری و اخوت آنقدر برایم شیرین بود که در همان عوالم کودکی آرزو می‌کردم دوستی مثل آنها داشته باشم. رفیقی که یک روز با او تمام مصر را زیر پا بگذاریم و به سراغ راز هرم بزرگ برویم و روز دیگر در اعماق اقیانوس به دنبال اسرار یک کشتی غرق شده باشیم. یار همراهی که بتواند مرا از دست سربازان اولریک نجات دهد و بعد همسفری به دنیای گمشده آتلانتیس باشد. خاطرم هست که مورتیمر زبان‌های باستانی را خوب می‌دانست و بلیک توان جنگیدن با هر کسی را داشت. جزئیات آن کارتون مهیج هنوز هم در گوشه‌ای از ذهن من نقش بسته است. نمی‌دانم می‌شود آنها را قهرمان کودکی من دانست یا نه اما این را خوب می‌دانم که روزهای بسیاری گذشت تا بلیک و مورتیمر در نظر من کوچکتر از آن باشند که دوست داشته باشم شبیه آنها شوم. هنگامی که روایت رفاعت احمد کاظمی و مهدی باکری را شنیدم، دوستی فلیپ و فرانسیس در نظرم کوچک شد. حالا در نظرم رفیق، مهدی باکری بود که دوست داشت احمد کاظمی را تا بهشت همراه خود ببرد. حتی در آن لحظاتی که کلاه اورکت خاکی‌اش را به سر انداخته بود تا سوز سرمای دجله را مهار کند و پشت بی‌سیم به دوستش می‌گفت بهشت باصفایی را به چشم می‌بیند که حیف است همراه او نرود. یا حتی آن روزهایی که برادرش حمید را در خیبر رها کرد و نگذاشت جنازه‌اش را برگردانند چون می‌دانست اگر حمید هم بود، همین کار را می‌کرد. از نظر من این دقیقاً تبلور معنای برادری است. ظهور و بروز تمام ارزش‌های والای انسانی که دوست داریم به دانش‌آموزان خویش بیاموزیم.

برادر و خواهر دانشجو معلم! اکنون ما در برابر قهرمانانی که به دانش‌آموزان خویش معرفی می‌کنیم، مسئولیم. این را بدانیم که جهان بینی آن‌ها ساخته و پرداخته الگوهای کودکی است. امروز سربلندی ایران در گرو روایت ما از قصه‌های شیرین و صادقانه فرزندان ایران است. همان‌هایی که هر کدام چونان یک اقیانوس آرام، شایسته تأمل و تفکرند. گنج‌هایی پنهان در جای جای ایران عزیز که رسالت ما روایتی حقیقی از رشادت آنهاست. حال از شما می‌خواهم دست به قلم ببرید و قهرمان خود را برای ما روایت کنید. تحریر با جان و دل مشتاق شنیدن داستان راستان به زبان و قلم شماست. بی‌آید شانه به شانه در کنار یکدیگر، با هر نگاه و سلیقه‌ای به مصاف ابر انسان‌های خیالی دیزنی و هالیوود برویم. نگذاریم که تصویر بلیک و مورتیمرهای دنیای رنگارنگ امروز که اغوای بیشتری هم دارند، جایگزین باکری، باقری و خرازی‌ها شود.

محمد مرادی چادگانی

منیب



از کارآمدی تا اثربخشی!!

مقدمه

دانشگاه فرهنگیان به عنوان قطب تربیت معلم در کشور، هر ساله ظرفیت قابل توجهی برای تأمین معلم در نظر می گیرد و داوطلبان رشته های مختلف بی صبرانه منتظر انتشار دفترچه انتخاب رشته این دانشگاه هستند. امسال نیز دفترچه های انتخاب رشته دانشگاه فرهنگیان منتشر و سهمیه ها و میزان نیاز معلم برای هر ناحیه آموزشی، مشخص گردید. کسانی که موقع ثبت نام کنکور اعلام علاقه مندی به رشته های دانشگاه فرهنگیان کرده باشند و در کارنامه کنکور نیز مجاز به انتخاب رشته های این دانشگاه شده باشند، می توانند دیگر مراحل کار خود را دنبال کنند. کنکور امسال در دو نوبت دی ماه 1401 و تیرماه 1402 برگزار شد که داوطلبان حاضر در جلسه و مجاز به انتخاب رشته، می توانند در یک فرم و تا 150 رشته محل را انتخاب کنند.

دفترچه انتخاب رشته

از همان ابتدای دفترچه، چشمان سهمیه های مختلف در آزمون می خورد؛ سهمیه هایی که منتقدانش کم نیستند و اولین آن ها مناطق است. در سهمیه مناطق شرکت کنندگان جزیکی از سه منطقه 1، 2 و 3 می شوند که البته مناطق می توانند تغییر کنند. یعنی منطقه ای می تواند از 2 به 3 تبدیل شود که این تغییر به این راحتی ها هم نیست و نیازمند پیگیری های جدی مسئولان آن منطقه است. سهمیه رزمندگان، ایثارگران و خانواده شهدا بدین صورت است که رزمندگان حداقل 6 ماه حضور داوطلبانه در جبهه را باید دارا باشند و خانواده شهدا نیز شامل پدر، مادر، خواهر و برادر شهید می شود. سهمیه 25 و 5 درصد یعنی به همین میزان از ظرفیت هر کد رشته محل به این سهمیه اختصاص پیدا می کند. برای مناطق محروم که 9 استان محروم کشور را شامل می شود و مناطق درگیر بلایای طبیعی که

بر اساس ماده 5 و 14 آیین نامه اجرایی در سال 98 تصویب شده است نیز در دفترچه امسال باز هم سهمیه در نظر گرفته شده است.

یکی دیگر از سهمیه ها که امسال در دفترچه می بینیم، سهمیه بهیاران است که سهم 5 درصدی برای رشته های پرستاری، اتاق عمل و بیهوشی در نظر گرفته شده است که در جلسات سال 1399 و سال 1401 به مدت پنج سال به تصویب رسیده است.

آیا اصولاً اعطا سهمیه در یک رقابت علمی کاردرستی است؟

این سؤال، سؤال اکثر داوطلبان کنکور است که البته پاسخ های فراوانی برای هر کدام از سهمیه ها است که بعضی از آن ها حقیقتاً غیرموجه اند. باتوجه به همه ی این حرف و حدیث ها در سالیان گذشته، مسئولین اقدام کارسازی برای اصلاح سهمیه ها نکردند.

هرچند که چشمان آب نمی خورد ولی خب آرزو بر جوانان عیب نیست! و همچنان امیدواریم برای این موضوع مهم تصمیمات خوبی گرفته شود.

از صفحه 93 این دفترچه به بعد، رشته ها و ظرفیت های آن ها که مخصوص داوطلبان بومی هر استان است؛ مشخص شده است که دانشجویان هر رشته می بایست دفترچه مربوط به گروه آزمایشی خود را تهیه کنند و طبق آن انتخاب رشته کنند. تنوع رشته ها در گروه علوم انسانی کمی بیشتر است و داوطلبان این گروه علاوه بر رشته های گروه خود، رشته های مشترک با سایر گروه ها مثل آموزش ابتدایی و آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه را نیز می توانند انتخاب کنند. البته در رشته های امسال در گروه علوم انسانی رشته امور تربیتی نیز اضافه شده است که ظرفیت های نسبتاً بالایی برای هر استان ارائه شده است که در آزمون استخدامی امسال نیز برای این رشته ظرفیت هست.

گزینش دانشگاه فرهنگیان چگونه است؟

امسال هم، پذیرش دانشگاه فرهنگیان به صورت بومی گزینی است و 80 درصد ظرفیت دانشجویهای هر ناحیه برای افرادی است که سه سال پایانی تحصیل خود را در همان منطقه گذرانده باشند و فقط 20 درصد برای افراد غیربومی آن منطقه است. با این کار اکثریت دانشجویان هر منطقه، در همان محل مشغول به تدریس خواهند شد. از دیگر شرایط ورود به این دانشگاه، عدم سوء پیشینه، تعهد به خدمت و کسب حداقل نمره کل نهایی 6000 و بالاتر برای مجاز شدن انتخاب رشته های آن است. حقیقتاً امسال به نوعی غافلگیر شدیم؛ چراکه صحبت هایی مبنی بر بالا بردن حداقل نمره کل نهایی از 6500 به 7000 بود که مسئولین در این موضوع معکوس عمل کردند و این عدد به 6000 کاهش یافت که این کار باعث شد افراد بیشتری مجاز به انتخاب رشته شوند.

در دفترچه امسال، طبق ماده 20 اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، یکی دیگر از این شروط، داشتن حداقل سن 24 سال تمام، جهت تحصیل در این دانشگاه است که خبرهای جدید درباره این موضوع، باعث خرسندی خیلی ها شد؛ مبنی بر این که حداقل سن برای ورود به دانشگاه فرهنگیان از 24 به 40 خواهد رسید؛ ولی این تصمیم با انتقادهای زیادی روبه رو شد و مشخص نیست که عملی می شود یا نه؟ اگر بخواهیم یک حساب سرانگشتی هم کنیم، متوجه می شویم که پذیرش دانشجو با سقف سن 40 سال برای ورود به دانشگاه فرهنگیان که یک دانشگاه جوان است و می خواهد نیرو برای آموزش و پرورش تربیت کند تا سی سال برایش به طور مؤثر کارایی داشته باشد تصمیم درستی نیست.

ناگفته نماند که ظرفیت پذیرش نیز

که دانشگاه فرهنگیان مسئولیت بسیار سنگینی را عهده‌دار است، که علاوه بر توجه به کمیت جذب معلم باید به کیفیت پرورش آن‌ها نیز توجه ویژه‌ای داشته باشد. رهبر انقلاب در دیدار امسالشان با معلمان فرمودند که معلم معمار آینده کشور است؛ پس در واقع تشکیل هویت نسل‌های آینده به دست معلم است. با این اوصاف دانشگاه فرهنگیان با تلاش مضاعف خود و به کارگیری اساتید مجرب در پردیس‌ها، باید کمک شایانی به تربیت هرچه بهتر دانشجو معلمان کند تا نسل آینده معلمان کشور نسلی کارآمدتر، تواناتر و شایسته‌تری باشند.

نویسنده:

محمد مهدی نوری امامزاده

هنرآموز و مربی امور آموزش معلولین به‌ترتیب اعلام خواهد شد. افرادی که از این طریق به استخدام درمی‌آیند باید پس از آزمون کتبی (که نمره منفی نیز دارد) و انجام مصاحبه و انجام مراحل گزینش به مدت یک سال مهارت‌ها و فنون معلمی (دوره یک ساله کارورزی) را در دانشگاه فرهنگیان سپری کند.

حال سؤال اینجاست که آیا فارغ التحصیلانی که پس از گذراندن دوران دانشجویی خود، در دانشگاهی غیر از فرهنگیان که دانشگاه مختص تربیت معلم است در آزمون این دانشگاه پذیرفته می‌شوند، می‌توانند تمام شیوه‌های نوین معلمی و هرآنچه یک معلم به‌عنوان یک الگو باید یادبگیرد را در یک سال و حتی کمتر فراگیرند؟

با بررسی دفترچه انتخاب رشته دانشگاه فرهنگیان و تأمین نیرو از طریق کنکور و آزمون‌های استخدامی، می‌توان دریافت

نسبت به سال 1401، 5000 نفر افزایش پیدا کرد و از 25000 نفر به 30000 نفر رسید و این نشان می‌دهد که آموزش و پرورش، تمام تلاش خود را برای رفع کمبود معلم می‌کند و مثل این که می‌خواهد از هر طریقی که بشود این کار را بکند، بدون در نظر گرفتن آثار نامطلوب آن.

امسال 40 درصد تأثیر قطعی نمره کتبی پایانی در رتبه‌های داوطلبان اعمال شد و مثل سال گذشته با 40 درصد تأثیر مثبت نبود و همین باعث شد که داوطلبان نمرات کسب کرده در امتحانات پایانی‌شان، با هر نمره‌ای که بوده بی‌تأثیر نماند و کسانی که معدل بالا کسب کردند نتیجه خوب آن را در رتبه کنکورشان دیدند.

ماده 28: آری یا نه؟؟؟

شاید وقتی در سال 1298، اولین مرکز تربیت معلم در کشور با نام دارالمعلمین مرکزی به ریاست ابوالحسن فروغی تأسیس شد، کسی فکرش را هم نمی‌کرد که یک قرن دیگر تعداد پردیس‌های فرهنگیان، به 98 پردیس دانشگاهی و دانشکده برسد، ولی هم چنان آموزش و پرورش آنقدر نیازمند معلم باشد که علاوه بر هموار کردن راه پذیرش در دانشگاه، رو به جذب دکتر معلم و ماده 28 بیاورد.

به موجب ماده 28 آموزش و پرورش در اساسنامه دانشگاه فرهنگیان، تأمین نیازهای آموزش و پرورش از طریق دانش‌آموختگان سایر دانشگاه‌های کشور با شرط دادن آزمون و کسب مهارت در دانشگاه فرهنگیان به مدت حداقل یک سال بلامانع است.

این آزمون استخدامی، به این حجم از کسری نیرو در آموزش و پرورش کمک زیادی می‌کند تا حداکثر در سال 1404 یا 1405، هر ساله 20000 کمبود معلم جبران شود. این در صورتی است که امسال صحبت‌هایی درباره عدم برگزاری آزمون استخدامی آموزش و پرورش به گوش رسید ولی این‌گونه نبود و تا مردادماه امسال فرآیند جذب نیروهای استخدامی ادامه داشت و آزمون‌ها برگزار شد و از شهریور تا مهرماه 1402 نتایج آزمون‌های آموزگاری و مدارس استثنائی، دبیری و



رؤیای عدالت آموزشی به کابوس بدل می شود؟

سیرها و خیلی سیرها برنده همیشگی ماراتن کنکور

درآمد و رشته‌های پرمقتضای دانشگاه‌های برتر و سراسری به طبقات مرفه خواهد رسید. اتفاقی که در سال‌های گذشته نیز رخ داده است.

نویسنده:

مهرداد دهقانی فیروزآبادی

های متوسط و پایین، سال به سال در قبولی کنکور پایین آمده است. اگر بخواهیم آمارهای کنکور ۱۴۰۲ را بررسی کنیم متوجه فاجعه‌ای عظیمی می‌شویم که بیش از ۸۰ درصد رتبه‌های برتر زیر ۳ هزار به سه دهک بالای درآمدی اختصاص دارد. این در حالی است که ۸۵ درصد دانش‌آموزان در مدارس دولتی درس می‌خوانند اما فقط ۲.۵ درصد از رتبه‌های بالای کنکور را به خود اختصاص داده‌اند. این آمارها نشان از نابودی عدالت آموزشی در کشور دارد و بیش از پیش کالایی شدن آموزش را آشکار می‌کند و می‌فهماند که سیرها، سیرتر می‌شوند و گرسنه‌ها، گرسنه باقی خواهند ماند!

ناعدالتی آموزشی فقط در رتبه کنکور مشهود نیست. حتی معدل امتحان‌های نهایی دانش‌آموزان مدارس دولتی نیز افت ۲ نمره‌ای داشته که کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. این یعنی کیفیت آموزش و امکانات مدارس دولتی هر سال کمتر شده اما در مقابل دانش‌آموزان مدارس پولی نمرات به مراتب بالاتری را در امتحان‌های نهایی که برای همه یکسان است کسب می‌کنند. موضوعی که برخی مسئولان تلاش داشتند در سال‌های گذشته آن را به گردن کرونا بیندازند اما حالا هیچ توجیهی غیر از پایین آمدن کیفیت آموزش در مدارس دولتی که ۸۵ درصد دانش‌آموزان کشور در آن‌ها درس می‌خوانند، ندارد.

در چنین روندی نه تنها عدالت آموزشی رخ نمی‌دهد بلکه سال به سال کمرنگ‌تر خواهد شد و دانشگاه‌های آزاد و غیردولتی مأمن اقشار متوسط و کم

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین ماراتن علمی کشور، کنکور ۱۴۰۲، با جمعیتی قریب به ۱ میلیون و ۱۲۰ هزار نفر به پایان رسید. رویدادی عظیم و کلیدی در حوزه آموزش و پذیرش دانشجویان به دانشگاه‌های علمی کشور که در سال‌های اخیر، بارها سیاست‌ها و قوانین آن دستخوش تغییر شدند تا باعث بهبود روند پذیرش دانشجویان و ارتقای عدالت آموزشی شوند.

در این تغییرات مختلف که شامل اصلاحات در برگزاری آزمون، اثرگذاری هرچه بیشتر امتحان نهایی، تغییر ضریب دروس امتحانی، تغییر در چیدمان و تعداد سؤالات، محتوای آزمون و اصلاح سیاست‌های ورود به رشته‌های مشخص همه و همه با شعار ایجاد شرایطی عادلانه‌تر برای داوطلبان و افزایش کیفیت آموزش در دانشگاه‌ها انجام شدند. اما با بررسی این عوامل و سرانجام نتایج آن، به نظر می‌رسد که حال عدالت آموزشی، به

رؤیایی در دور دست بدل شده است. آمارهای کنکور پیشین مثل چهار سال گذشته، روند فزاینده ناعدالتی آموزشی را نشان می‌دهد. صندلی‌های بهترین دانشگاه‌های کشور و به‌طور کلی دانشگاه‌ها سراسری متعلق به دهک‌های بالای درآمدی است و سهم دهک





نقدی بر آثار سوء و منفی افزایش سن داوطلبان دانشگاه سالمندان



انرژی‌اش کاسته می‌شود.

5. توسعه حرفه‌ای و ادامه تحصیل

افراد جوان نسبت به افراد مسن از زمان بیشتری برای توسعه حرفه‌ای خود برخوردارند. توسعه‌ای حرفه‌ای که درواقع سفری مادام‌العمر به هدف یادگیری است و باعث افزایش دانش، نگرش و مهارت‌های معلم می‌شود. آن‌ها همچنین موقعیت مناسب‌تری را برای ادامه تحصیل تا مقاطع بالاتر در اختیار دارند.

6. فاصله سنی با فراگیران

فارغ‌التحصیلان جوان دانشگاه فرهنگیان با دانش‌آموزان خود فاصله سنی مناسبی خواهند داشت و از آنجایی که آنها تجربه تازه‌تری از تحصیل در مدرسه دارند منجر به درک بهتر دانش‌آموزان خود و الگوبرداری آن‌ها می‌شوند اما در روابط معلمان مسن‌تر و فراگیرانشان در سال‌های اول خدمت، شکاف بیشتری حس می‌شود.

نویسنده:

رستا محسن پور

2. سلامت جسمی-روانی

معلمی، از نظر جسمی و روحی شغل دشواری است و معلم می‌بایست کار خود را به طور مؤثر انجام دهد. معلمان مسن‌تر ممکن است بیشتر درگیر این مشکلات باشند که بسیار بر توانایی تدریس آن‌ها اثر می‌گذارد.

3. هماهنگی با فناوری

برخی معلمان مسن‌تر ممکن است در هماهنگی با فناوری و اصول نوین تدریس مشکل داشته باشند. امروزه کار با رایانه و تخته هوشمند، تهیه و تدوین بازی‌های آموزشی، طراحی کاربرگ و آزمون‌های خلاقانه و... تأثیر بسیاری بر یادگیری دانش‌آموزان می‌گذارد.

4. انگیزه و انرژی

تدریس مؤثر به تمرکز، استقامت بالا و انرژی بسیار نیاز دارد. فردی که درس‌ن بالادارد دانشگاه فرهنگیان می‌شود بیشتر از افراد جوان درگیر مسائل زندگی است. او نمی‌تواند با حقوق دانشجویی به مدت چهار سال و پس از آن هم با حقوق ناچیز معلمی سرکند، بنابراین مجبور است به شغل دوم روی بیاورد و بخش قبل توجهی از توان و

همواره یکی از مسائل بحث برانگیز علاقه‌مندان به دانشگاه فرهنگیان، سقف سنی ورود به این دانشگاه بوده است. تا چندی پیش شرط سنی دانشگاه فرهنگیان حداکثر سن 24 سال تمام بود اما هیئت دیوان عدالت اداری رأیی به ابطال این شرط سنی صادر کرد و همان شرط سنی عمومی یعنی حداکثر 40 سال را برای استخدام در دانشگاه فرهنگیان قرار داد. بدون شک معلمان موفق وجود دارند که حرفه‌ای خود را از سنین بالا شروع کرده باشند اما در این مورد باید به عوامل مختلفی توجه کرد:

1. سن بازنشستگی

اگر کسی در سن ۴۰ سالگی وارد دانشگاه فرهنگیان شود، بعد از چهارسال، فارغ‌التحصیل خواهد شد و پس از کسب تجارب مورد نیاز، پا به سن بازنشستگی می‌گذارد؛ از این رو این سن چندان برای ورود به این حرفه مناسب نیست اما افراد جوان‌تر این امکان را دارند که از تجارب کسب شده بهره‌ی بیشتری ببرند.

به نام خدای روح الله و آرمان هایش

آری؛ خون شهدا، محکمه عدلیست که قاتلان را در آن به محاکمه می‌کشند و آرمان و روح الله با آوازه غیرت و شهامتشان، رفتند تا آرمان روح الله بماند....

نویسنده:

فاطمه صفرپور خنیعرب

و خونریزی شدید بدن نیمه‌جانش، در بهشت سکینه کمال‌شهر به مقام پرفیض شهادت نائل آمد. پیکرش همانند آرمان از هیچ اهانت و ضربه‌ای با سلاح‌های مختلف، خالی نماند. روح الله هم شیفته شهادت بود و آن‌هایی که حقیقتاً میل شهادت دارند چه زود حاجت‌روا می‌شوند!

شهید سید روح الله عجمیان بسیجی ۲۷ ساله کرجی جایی در هوای زاهدان کنار مرزو یا قلب حلب به دنبال تحقق آرزویش می‌گشت؛ اما سرنوشت، قصه را به‌گونه‌ای دیگر نوشت و کمال‌شهر، منطقه‌ای که آنجا قد کشیده بود، روح الله را به کمال رساند.

در پاییز ناآرام ۱۴۰۱ با گلوله تابوشکنان جراحات‌های بسیاری بر پیکر آرمان‌های انقلاب وارد شد. حریم حرمت‌ها در شعارهای رکیک مزدوران شکست و اقتدار امنیت به تابوت‌ها رفت. خونابه‌ای از پیراهن مظلومان بر خاک چکید و عاشورایی در نگاه‌های منتظر رقم خورد؛ نگاه‌هایی که از مدت‌ها، چشیدن طعم خوش شهادت را به انتظار نشسته بودند، همچو آرمان و روح الله....

آرمان را می‌شناسی؟ همان طلبه ۲۱ ساله تهرانی که در درگیری‌های ۴ آبان ماه شهرک اکباتان با شوق به سمت شهادت پرواز کرد. این بسیجی غیور، شب‌هنگام خود را تحت محاصره چند لاشخور طاغوت‌پرست، بی‌سلاح دید و هرگز حاضر به اهانت علیه رهبر انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی نشد. او ضربات متعدد چاقو، لگد و شکنجه‌های وحشیانه آن‌ها را به جان خرید و در اثر شدت صدمه و خونریزی مغزی ۴۸ ساعت بعد به دیدار حق لبیک گفت.

اما داستان عاشقی‌اش شنیدنی‌ست. او عاشق شهادت بود و در تولد سال گذشته‌اش آرزوی شهادت را به دل دستور داد، اما این‌که میان آرمان و خدایش چه گذشت راز مگوست. شهادت و این همه عزت در آن؟ چگونه درخواست کرد که پای سیدعلی را هم به زیارت مرقدش کشاند؟ جهان‌بینی آرمان در تیررس دید جهانیان قرار گرفت و به‌راستی آن‌هایی که برای خدا و به عشق او کار می‌کنند عزیز می‌شوند درست مثل آرمان علی‌وردی!

تاریخ همچنین این داستان را برای روح الله نوشت. آن سیدی که همچو آرمان، تا پای جان برای آرمان‌هایش ایستاد و در رکاب اسلام، شهد شهادت نوشید. هنگامی که مراسم چهلم حدیث نجفی صبح روز ۱۲ آبان‌ماه در حال برگزاری بود، همراه با نیروهای بسیجی کمال شهر کرج به مأموریت اعزام گردید. عصر همان روز به دنبال جراحات وارده



نزدیک قله ایم؛ خستگی ممنوع

مقام معظم رهبری، بیانات نافذی را درمورد سپاه عرض کردند؛ این که فراموش نکنیم هویت خودمان را که اگر این امر اتفاق افتد، بسیاری از مزدوران و دشمنان ملت به خواسته های خود خواهند رسید. یک پدیده ی منحصر به فرد در بین انقلاب های تاریخ، وجود داشتن سپاه است. درست است که ما مشاهده گر انقلاب های دیگری بوده ایم ولیکن همان طور که می دانیم، آن ها پی ریزی دقیق نداشتند و بر اساس مبانی و اصول صحیح شکل نگرفته بودند. از ابتدای شکل گیری آن، اعضای آن بر اساس عناصری چون: شجاعت، ایثار و... بودند. این که ابتدای این سپاه شامل تعداد اندکی افراد بودند ولی بعد از گذشت چند سال بر تعداد آن افزوده شد و تبدیل به یک سازمان نظامی گسترده شد؛ که دارای تشکیلات منظم و حساب شده ای است به خاطر همین است که امروزه این سپاه را به عنوان بزرگ ترین سازمان صد تروریستی دنیا نام گذاری کرده اند که در مقابل بحران ها و حوادث که از سوی دشمن جریحه دار می شود، مقاومت از خودشان نشان می دهند. عملکرد سپاه در دفاع مقدس مباحث بسیار زیاد و گسترده یی دارد که جای بحث در این جا نیست.

سپاه هیچ وقت نباید درون خودش متوقف بماند و به همین توانایی های خود بسنده کند؛ بلکه باید توانایی ها و استعداد های خود را روز به روز افزون تر کند. با همت خودشان و همت افراد فرا سازمانی سعی در ارتقای و تقویت خود کند؛ همان طور که امروزه امور زیر بنایی سپاه حرف اول را دارد این خود نشانگر حوزه های گوناگون سپاه

است. مثلاً: در بخش سلامت، توانست کارهای مهمی را انجام دهد که همگی شاهد آن بودیم. تلاش دشمن اکنون این است که چهره ی سپاه را در نزد مردم مخدوش سازد (مردم از اعتمادی که به سپاه و عملکرد آن دارند غافل شوند) تا دیگر جذابیت های پیشین را نزد آنان نداشته باشد، که این خود جزو مهم ترین تلاش آنان محسوب می شود و ما باید مراقب این حيله ی دشمن باشیم و راهکارهایی را برای مقابله با آن پی ریزی کنیم.

مسئله ی پاسداری از انقلاب، مهم است ولی قبل از آن باید کمی روی خودمان کنترل و مراقبت داشته باشیم؛ سپاه هم بالاخره برای خودش یک سری چارچوب ها و ارزش ها و ویژگی هایی دارد که باید از آن ها حراست به عمل آورد تا مبدا این ارزش ها به فراموشی سپرده شود و از این طریق مسیر دشمن را باز کنیم تا راحت تر از قبل به اهداف خود نزدیک شود.

حاکمیت سیاسی انقلاب، تنها نقطه ی عطفی است که باعث می شود ما در معرض نقطه ی پر التهاب فشار دشمنان قرار بگیریم به خاطر ویژگی ها و آرمان هایی که دارد. همان طور که ما در اکثر منابع و مراجع خوانده ایم که نظام اسلامی با تعدی و غارت منافع ملت ها، ناراضی است و این کار را کاملاً نفی می کند و با افراد در صورت عکس عمل کردن برخورد می کند و از ما نیز می خواهد که با چنین افرادی مخالفت کنیم و جلوی این کار آن ها را بگیریم. نظام اسلامی همه ی افراد را مورد احترام خود قرار می دهد و شرط ارجحیت آن ها را تقوایشان می داند.

یکی از مهارت هایی که ما باید به عنوان عضوی از جامعه به آن آگاهی داشته باشیم، دشمن شناسی است. که ما بدانیم چه کسانی دشمن هستند و راه مبارزه با آن ها چه چیزی است به خصوص از وقتی که جمهوری اسلامی به عنوان الگو شناخته شد، میزان دشمنی ها شعله افروز شد. ما نباید هرگز به آن توانایی ها و استعدادهایی که داریم، غرّه شویم و خودمان را بالاتر از بقیه افراد ببینیم؛ بلکه باید آگاه باشیم و قدردان این نعمت باشیم. وظیفه ی ما اکنون این است که وحدت در بین ملت ها ایجاد کنیم و کمک کنیم به افرادی که تحت فشار هستند تا آن ها را از زور فشار رها سازیم از طریق برنامه ریزی های دقیق و به جا و عمل کردن به آنچه بر عهده ی ما قرار داده شده.

وظیفه ی ما، حراست از آرمان های انقلاب است که سال ها برای آن تلاش به عمل آمده، درست است خسته شده ایم اما قرار نیست این مانع برای حرکت و تکاپوی ما شود، بلکه باید بعد از کمی رفع خستگی دوباره شروع کرد به حرکت و ادامه دادن و با روحیه ی باز و بدون خستگی و دل آزاری ادامه دهیم و پا پس نکشیم از آرمان های انقلاب اسلامی.

نویسنده:

زهرا نصر



عاشق شوید که زندگی به عشق است

انا الی الله الراغبون
سپس (قسم) به جنون - این رهایی
مطلق -
که در طریقت عشاق اولین قدم
است....

که این جنون ظریف زیبا، این آدمکش
انسان پرور، این پر پرواز پرستوهای کوچ
کرده از دنیا، این موصول عاشق به
معشوق، این لیک قرای مخلوق در
همه جا، هر جا که نامش دفاع مقدس
بود و نشانی از بوی خاک و خاکریز و
هشت سال که نه؛ هشتاد سال جان
فدایی و جانفشانی داشت، تلؤلو می
کرد.

آری؛ جنون عاشقی را در وجب به وجب
آن خطه‌ای که با شبیخون‌ها طلوع می
کرد و با انفجار مین‌های صحرایی،
غروب می‌کرد قابل لمس بود و نه تنها
در پشت خط مقدم‌ها، که در دل اعداد
جابه‌جا شده شناسنامه‌ها و
شناسنامه‌های یتیم شده‌ی فرزندان
جنگ، در نامه‌های نرسیده به دست
دختر و خواب‌های شهادت پدر، در تن

شود؛ برای پیکر گمنام باکری‌ها و هادی
ها و پیکر سلاخی شده شوقی‌ها و
فراهانی‌ها، برای شیر زنان حماسه و
جنگ، برای رزمنده‌های دیروز و گمنامان
امروز، برای خط مقدمی‌ها و پشت
خطی‌ها، برای این رود خون در تاریخ
ایران که تا آخرین رج از استخوانمان را
معطر عشق می‌کند؛ مشوق حسینی
شدن، منور حسینی ماندن و مصور
حسینی رفتن....

نویسنده:

پریسا گیلانی

بی سر محمد مهدی‌ها و سر لیلیک
گویان علی اکبرها، در مادری که برای
شهادت فرزندش سجده کرد و در پسری
که سجده‌وار به شهادت رسید؛ در
فریاد کودکان بمباران خونین شهر ایران
تا خفگی کودکان خاموش شده‌ی
بمباران شیمیایی سردشت، در هجوم
تیرها و ترکش‌ها، نابرابری تانک‌ها و
تفنگ‌ها، رنج فراق اسرا، گمنامی
فرزندان روح الله، شهادت بی وقفه
بازیکنان تیم آزادی تا آزادی آزاده‌ها، در
بغض دلتنگی بازمانده‌ها و باز ماندن
من و ما از این غافله عاشق‌ها....

آری در دل این همه دل باختگی و
دلدادگی، می‌توان حسش کرد...
اما امروز ما، بانی این رسالتیم؛ بانی این
گونه عاشق شدن و عاشق رفتن، این
گونه ماندن و مانا شدن...

اینجاییم برای دوباره کربلا آفریدن، برای
صدای غواصان مدفون در زمین و
خلبانان آتش گرفته در آسمان، برای آن
ها که از سیم خاردار نفس رد شدند؛ تا
نفس‌شان فدایی سیم‌خاردار زمینی



درد دل خاک ریز، اشک بریز

قربونت برم! دورت بگردم! حالا تازه شدی مثل بچگی‌ها... بغلت می‌کردم، برات لالایی می‌خوندم، پوست می‌کردم، صورتم رو به صورتت می‌چسبوند...

آخ مادر! باشه عزیزم گریه نمی‌کنم! برات لالایی هم می‌خونم! فقط ببخش صدام می‌لرزه! «لالا لالا گل پسته، دیگه بسه غم و غصه / لالا لالا گل پونه، عزیزم اومده خونه...» آخی! بالاخره خوابیدی مادر؟ بخواب قریون قد و بالات برم! بخواب تا بعد مدت‌ها یه دل سیرنگاهت کنم... بخواب تا منم بعد این سال‌ها بتونم یه کم با خیال راحت بخوابم!

نویسنده:

فاطمه کاظمی

گفتم حالا من هیچی! آقاتو چیکار می‌کنی؟! یه خنده‌ای کردی و گفتی اون دیگه با شما و رفتی چند روزی مسجد موندی! آقات تا شنید... راستی گفتم آقات! نبودى مادر ببینی این سال‌های آخر چه زجرى می‌کشید... هیچ‌کس رو هم نداشتیم یه دکتر ببرتش! مدام چشم‌به‌راحت بود... آخرش هم دووم نیاورد و دق کرد.

ولی من می‌دونستم می‌ای! می‌دونستم دل مادر رو نمی‌شکنی... ولی مادر چرا نیومدی خونه! میدونی تا گفتن داری می‌ای کل محله رو شربت و شیرینی دادیم با مهین خانوم؟ آره! همون مهین خانوم همسایه! خدا خیرش بده! تو این مدت که نبودى خیلی کمک‌حالم بود... ولی حالا دیگه گل‌پسرم برگشته، شاخ شمشاد مادر برگشته! براش جبران می‌کنیم... خدا رو شکر که دوباره دیدمت، چشمم به جمالت روشن شد!

مادر سردت؟ چرا روتو کشیدی؟ اینجا که سرد نیست! عرق می‌کنی میری بیرون می‌چایی‌ها! بزار روتو بردارم... علی مادر! علی جانم! علی اکبرم چرا علی اصغر شدی مادر!

سلام مادر! سلام گل‌پسرم! سلام فدای قد و بالات بشم! بالاخره برگشتی مادر! تا حالا کجا بودی؟ میدونی همه‌جارو دنبال گشتم! با همه رفقات حرف زدم! هر نشونی که داشتم رو رفتم ولی اثری ازت نبود که نبود. حالا بازم خدا رو شکر خودت برگشتی! میدونی چند وقته با اون صدای دل‌نشین صدام نزدی؟ میدونی چند -وقته راه رفتنت رو ندیدم؟ میدونی چند وقته چشمای قهوه‌ای خوش‌رنگت رو ندیدم؟ آخ مادر! که این چند وقته پیر شدم... با امروز دقیقاً می‌شد سی‌وشیش سال و ده ماه و بیست‌وسه روز! ولی نداشتی بشه! اومدی مادر! اومدی پسرم! اومدی قربونت برم! ولی مادر، کو اون قد و بالات؟ کو اون چشمای نازت؟ کو اون موهای خوشگل که برات شونه می‌زدیم و تو هر دفعه می‌گفتی: «نکن مادر من! من دیگه مردی شدم واسه خودم!»

تازه سیل پشت لب‌ت سبز شده بود؛ اونم مثل محصول زمین مشهدی علی، یکی در میون و کم‌پشت! همون وقتا بود که اومدی گفتی می‌خوام برم!

گفتم نه همیشه! تو هنوز دهن‌ت بوی شیر می‌ده! اصرار کردی تا به گریه افتادم. قسم دادی به مادرم حضرت زهرا (س)! گفتی اون دنیا اگه گفت چرا پسرت رو فدا نکردی تا راه زیارتی پسرم رو باز کنی، خودت باید جوا بشو بدی... یادته مادر! همونجا بود که اشکم دراومد... با اون قسمت پشتم رو لرزوندی...



بهار مهر

دوباره است تا آگاهی های بیشتری کسب کنیم.

مهر، تجدید بیعت با قلم و کتاب، با کلاس و سنگر است. مدرسه و کلاس هم یک جبهه است که در آن، نوع دیگری از مبارزه، با دشمنی دیگر و با تاکتیک هایی متفاوت جریان دارد.

مدرسه، مهربانی است و بانی مهر. کلاس، گلخانه معطر باغ زندگی است.

ماه مهر آمد و باز مدرسه ها باز شد، آن مدرسه هایی که در گرمای تابستان زیر نور خورشید و ماه، بی طاقت و خواب آلود، استراحت کرده و سه ماه به انتظار نشسته بودند و حالا با تبسم، پر از شادی حضور بچه ها هستند.

هر روز اول مهر است و روز آغاز پاییز و درس آموختن. اکنون می خواهیم بیاموزیم و چشم به دهان آموزگارمان دوخته ایم که بگوید، و ما نیز تا ابد در خاطرمان به یاد داشته باشیم.

اکنون که در آغاز سال تحصیلی هستیم، برای سال، برنامه ریزی داشته باشیم تا پایان را نتیجه پر بار این آغاز سازیم و خاتمه را به زیبایی شروع قرار دهیم، پس ما هم آغازگر راه نو باشیم.

توشه ام علم و قدم های استوار من است که یاور راه دلم گشته، الهی به امید تو نه به امید خلق روزگار.

به نام خداوندی که قلم را آفرید و آن را شایسته سوگند خویش قرار داد.

مهر، فصل خشکیدن و زرد شدن و ریختن نیست. آغاز رویدن کتاب بر ساقه دست هاست. پاییز فصل زیبایی چند رنگ خیلی خوش آمدی به حصار خانه دل های ما. از تمام فصل های سال پاییز را بسیار دوست می دارم و مهر و عاطفه ای که در آن است.

مهر آن قدر بوی بهار می دهد که در پاییز بودن آن، به یاد نمی آید. بیشتر مرا به وجد می آورد، انگار قربانی است بین این همه رنگ، و این همه اشتیاق.

بوی مهر و مهربانی تعلیم و تعلم، اشتیاقی که هست. این ها همه میراث گرانیهای پاییزی است که رنگهایش صد رنگ نقش دارد، دلم می خواهد که در مدرسه علم و مهربانی همیشه وفادار بمانم.

درخت پاییز شروع به برگ ریزی می کند؛ آن هم رو به روی برگ های دفتر بچه ها که این خود اعتراف به حقارت زیبایی خویش است. برگ برگ درختان، خیر مقدم های مکتوب اند که فرش راه نونهالان تبسم و کودکان احساس شده اند. کودکان احساس! جای شادی اینجا است. ماه مهر، چقدر ماه است و چه اندازه پُر مهرا!

مهری که به مهر داریم، از آن جهت است که یک آغاز است، مهر، شروعی

نویسنده:

پریسا شیروم

مدرسه



هر دانشگاه یک قرارگاه

امروزان شب واجب‌تری که متأسفانه از آن غفلت شده است؛ و برای تحقق این کار بایستی همه جانبه وارد میدان شد که بخشی از فرایند اصلاحی، امر به معروف و نهی از منکر است که برای اصلاح امت از پیش طراحی و تعبیه شده است.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات جامعه اسلامی خلاء نقش آفرینی مؤثر پیرنگ نخبگانی به ویژه در عرصه‌های اجتماعی است که در نهایت منجر به موج سواری دشمن از طریق افراد خودفروخته و طبعاً جاهل می‌شود. در صورت اصلاح این امر مقوله سلبریتی زدگی اگر نگوییم که محو کم رنگ خواهد شد و این، شروعی برای «حل مسائل جامعه به صورت بنیادین است».

دانشجو همان‌طور که گفته شد بایستی برای نقش آفرینی مؤثر خود «قوی» شود و قوی شدن به عقیده نگارنده، در صورت تحقق این سه حوزه، رخ خواهد داد:

اول، تقویت معنویت و ارتباط با خداوند متعال و به تبع آن اولیای الهی. دوم، افزایش دانش علمی و توان به کاربندی آن. سوم، شبکه سازی و کادرسازی در راستای اهداف بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت!

همه آنچه گفته شد در صورتی به ثمر خواهد نشست که ارتباط ما آگاهانه و فعالانه با ولی معصوم الهی، حضرت ولی عصر (عج) و نائب عام ایشان (حفظه الله) استمرار داشته باشد و در راستای اهداف کلان برنامه ریزی کنیم.

والسلام علیکم و
رحمت الله و
برکاته

نویسنده:

محمد حسین سیفی

همه آنچه گفته شد و گفته خواهد شد در یک کلمه می‌گنجد و آن «مجاهده» است که از طرفی به قول امیرالمومنین علیه السلام «إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ جِهَادَ» دری از درهای بهشت است که خداوند آن را بر روی اولیای خاص خود گشوده است. خطبه ۲۷ نهج البلاغه و از طرفی سختی و چالش‌های خاص خود را نیز به همراه دارد.

از شناخت و مشورت با صاحب‌نظران به تبیین راهکارها در جامعه دانشجویی و عامه مردم می‌رسیم که همانا «جهاد تبیین» نام‌گذاری شده است. جهاد تبیین در واقع آگاهی و شناخت دقیق از داشته‌ها و ظرفیت‌ها، شناخت دقیق‌تر از نقاط ضعف و نیز شناخت راه حل هاست و از همه مهم‌تر توان القای تصمیم‌گیری درست بر اساس این شناخت‌ها برای خاص و عام جامعه است.

همان‌طور که رهبری بارها تأکید کرده اند بایستی برای مقابله با دشمن قوی شد، باید توجه داشت که برای پیشبرد اهداف در داخل نیز بایستی به عنوان یک عنصر فعال و قوی ظاهر شویم. از مباحث نظری که به موضوعات عملی وارد شویم مشاهده می‌کنیم که دشمن در کنار سایر ابزارها (تحریم اقتصادی، نفوذ سیاسی و...) از رسانه برای تخریب حداکثری استفاده می‌کند که در این بخش نیازمند به آموزش، دسترسی به محتوای برتر، قدرت تولید محتوا و نیز حضور مجاهدانه در کف میدان رسانه برای جهاد تبیین می‌باشیم؛

چرکه دشمن ولو با استفاده از ربات‌ها در شبکه‌های اجتماعی از تلاش برای القای ناامیدی در بین مردم دست بر نمی‌دارد. از طرفی بایستی تشکلهای و نهادهای دانشجویی حلقه واسطی صاحب فکر و نخبگان راه حل و نیز تصمیم گیر و تصمیم ساز شوند.

به نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان

در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به علت زیاده‌خواهی و خوی استعمارگری و صد البته چشم طمع‌ی که یاوران انسی شیطان به داشته‌های آن داشته و دارند همواره مورد تهاجم و تعرض بوده‌ایم. این مطلب تشدید می‌شود زمانی که دشمن از عمق نگاه دوراندیش و عظمت آرمان مقدس امت اسلامی آگاه می‌گردد.

هرچه ما به‌طور جدی‌تر به دنبال قله‌های پیشرفت باشیم، دشمنی آشکارتر و همه جانبه‌تر خواهد شد و حال آن که ما در جنگی ترکیبی به مقابله با این شیطان زیاده‌خواه برخاستیم. نگاه اسلام به جامعه یک شبکه در هم تنیده واحد است؛ چنانکه فرموده‌اند «أمة واحدة» که آرمان بلندی که همانا حکومت الله بر زمین است را دنبال می‌کند و در راستای تحقق آن برای هر فرد یا نهادی در جامعه نقش تعریف می‌شود که در اینجا توجه شما را به این کلام کم نظیر جلب می‌کنم که کشتیبان این کشتی چنین فرمودند: «در جمهوری اسلامی، هر جا که هستید همانجا را مرکز دنیا بدانید و آگاه باشید که همه کارها به شما متوجه است.»

دانشجو و جامعه دانشجویی به علت ویژگی‌ها و نقش پررنگی که همواره داشته است در صورتی که به وظایف خود عامل باشد، همواره در کانون توجه و اثرگذاری در جامعه باقی خواهد ماند؛ چنانکه بسیاری از تحولات عمیق و بزرگ جهان با همراهی و نیز در بستر فعالیت‌های دانشجویی صورت گرفته است. در ابتدای امر بایستی عنوان شود که تفکر و شناخت درست و کامل مسئله قدم اساسی و ای بسا نیم مسیر پیش رو می‌باشد و از طرفی تفکر در مسئله و دانش را جستن، ایجاد شبکه و اتصال با نخبگان، اندیشمندان و صاحبان رای از مهم ترین اقدامات است؛ چرا که نپخته و نپرداخته به مسائل پرداختن خود مسئله ساز است.

پدافندهای دفاعی انقلاب در آموزش و پرورش

تهاجم‌های دشمن منحصر به حملات نظامی نیست و تهاجم‌های فرهنگی اقتصادی بیولوژیکی را شامل می‌شود اما چه سیستم پدافندی و دفاعی باید در نظام آموزش و پرورش اثر این حملات را خنثی نماید.

تهاجم فرهنگی

فرار مغزها و رؤیای مهاجرت متداول ترین چالش این روزها جوانان و رتبه های برتر کشور است. برای مقابله با این چالش در کنار بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی و اعمال اصلاحات گسترده در بخش‌های اجتماعی پدافندهای باور-امید-صبر-میهن دوستی مهم‌ترین سیستم دفاعی است که با موشک‌های خود، خود تحقیری و ناامیدی را نابود می‌کند. اما سازوکار اجرایی این پدافندها چگونه است؟

۱. پرورش فرهنگ عاشورا: در کلام ائمه توصیه مؤکد شده که هر روز زیارت عاشورا خوانده شود علت این استمرار این است که تبری و تولی استکبارستیزی و روحیه مقاومت در میان امت اسلامی تداعی گردد، این الگو باید در مدارس ایران اجرا شود. امام حسین در برابر ملایمات و آشوب های عصر خود ایستادگی کرد و پرچم اصلاح‌طلبی را برافراشته نمود. دانش آموزان باید بدانند در برابر دشمن ایستادگی کردند و همان‌طور که شهید مطهری فرمودند یزید زمانه خود را بشناسند، توصیه می‌شود این اقدامات اجرایی صورت گیرد، اعم از: اجرای تئاتر و تعزیه عاشورایی با رویکرد پرورشی در مدارس، اجرای برنامه‌های ورزشی در چهارچوب پرورش فرهنگ عاشورایی، برنامه‌های تفسیر و تبیین قیام امام حسین در مدارس، برنامه های تفریحی و اردویی در حرم ائمه و اجرا ساخت‌های اعتقادی در بقیع متبرکه، تشکیل حلقه‌های صالحین و معرفتی در مساجد و پایگاه های بسیج با همکاری مدارس و....

۲. انس و الفت با شهدا: شهدایی همچون شهید فهمیده، شهید حججی،

شهید زین الدین شورو صلابت جوانی را در راه اعتلا و آزادی میهن فدا نمودند چه زیباست اگر دانش‌آموزان به شهدا به‌عنوان صمیمی‌ترین رفیق و بهترین مرید و مرشد خود نگاه کنند اجرای فرهنگ دوستی با شهدا - برنامه هفتگی زیارت از گلستان شهدا - اجرای مسابقات و همایش‌های شهدایی می تواند به تقویت انس و الفت دانش آموزان کمک مؤثری نماید.

۳. توجه ویژه به تاریخ: ملتی که تاریخ خود را نداند محکوم به فناست؛ متأسفانه به دلیل شیوه‌ها و راهبردهای غلط و سنتی تدریس تاریخ و ضعف محتوای درسی بیشتر دانش آموزان علاقه چندانی به درس تاریخ ندارند این رویه باید اصلاح گردد و تاریخ تحلیلی و الگوی فعال و مشارکتی جایگزین تاریخ نظری و راهبرد سنتی سخنرانی در تدریس بشود؛ البته که صداوسیما هم با ساخت فیلم و محتوای تاریخی می‌تواند بازوی آموزش و پرورش در این امر خطیر باشد.

۴. ارائه تصویر واقعی از دنیای غرب: خیلی عظیمی از افرادی که مهاجرت کرده‌اند با این واقعیت که غرب بهشت نیست و در بسیاری از عرصه‌ها حتی جهنم است روبه‌رو شدند اما چه فایده که عمر سرمایه و جوانی خود بهای رؤیای پوشالی خود کردند. زیبنده است اگر در مدارس با کمک واینرها و افرادی که مهاجرت کردند محتوای آموزشی تهیه گردد و دانش‌آموزان با واقعیات

دنیای غرب و شرق آشنا شوند و بدانند مرغ همسایه غاز نیست!

۵. ریشه‌کن شدن درخت بی‌عدالتی و تبعیض: سمپاد، مدارس پولی، سهمیه‌ها و... درخت‌های بی‌عدالتی در آموزش و پرورش هستند که میوه‌های آن سرخوردگی، غرور کاذب و ناامیدی و نفرت است. اگر این درختان ریشه‌کن شوند، آمار مهاجرت و سایر مشکلات فرهنگی بسیار کاهش می‌یابد.

۶. اصلاح نگاه‌های نئولیبرال: این‌که برخی در آموزش و پرورش نگاه تجاری به دانش‌آموز داشته باشند و کیفیت آموزش را با عناصر تجاری مقایسه کنند، فاجعه‌ای است که نتیجه آن تبعیض طبقاتی است. نگاهی که همسو با آمریکا و استکبار است؛ استکبار یعنی طبقه ثروتمند همیشه پیروز گردد و طبقه فقیر همیشه بازنده! مرگ بر آمریکا مرگ بر این سیاست است که اگر اصلاح نگردد، آسیب‌زاست. همان‌طور که مقام معظم رهبری هم همیشه بر عدالت در آموزش تأکید داشته‌اند، عدالت‌محوری و تمکین از ولی فقیه باید خط مشی اصلی همه عناصر سیستمی در آموزش و پرورش گردد.

و من الله التوفیق
ادامه دارد ...

نویسنده:

رضا احمدی بنی



جایگاه‌های امید

و با آن همراه نشده. (باید با مطالبه گری، بروکراسی را در خدمت این روش در بیاوریم.)

۳. راه نرفته ما: افزایش مشارکت مردمی.

این‌که پیر ما می‌گوید: "نزدیک قله ایم"، بار روانی امیدآفرینی دارد. نه امید واهی، بلکه امیدی همراه با واقعیت و واقع‌بینی. {لَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ} (۸۷ سوره یوسف) زبان دانشجو، بلندگوی صرفاً مشکلات نباشد. نمی‌گوییم مشکلات را نگویید اما صرفاً مشکلات را نگویید. در کشور، نقاط روشن خوبی نیز وجود دارد؛ دانشجو آن‌ها را هم باید بگوید؛ این را هم بگوید؛ یعنی جوری نباشد که صرفاً پخش کننده‌ی این چیزها [و مشکلات] باشد.

(بیانات رهبر انقلاب در

دیدار رضائی

دانشجویان

۱۴۰۲/۰۱/۲۹)



نویسنده:

سید حسین موسوی نیکو



پس جایگاه‌های امید ما چیست؟ یکی از جایگاه‌های امید ما، راه‌های نرفته است. به‌طور مثال "مشارکت مردم" و تحولی که در بروکراسی باید پیش بیاید. یکی از جایگاه‌های امید، راهی است که تاکنون رفته‌ایم در به دست آوردن قدرت. ما در حال ساختن کشتی نوح هستیم. زمانی که کشتی نوح ساخته می‌شد، می‌گفتند: یعنی چه؟ چه فایده‌ای دارد؟ وقتی طوفان آمد، مشخص شد که فایده‌ی کشتی چه بود. ممکن است برخی اقدامات در زمان حال به خوبی دیده نشوند، اما فردا که طوفان آمد، نمایان خواهند شد.

ناامیدی سم است، باید امید داشته باشیم. این امید را هم در خود تقویت کنیم هم به دیگران نیز انتقال دهیم. به راستی، جایگاه‌های امید ما چه بود؟

۱. قدرت روزافزون ما (به‌طور مثال قدرت

نظامی): این روند توقف ناپذیر است،

آثارش را هم داریم می‌بینیم،

انشاءالله آثارش به

سفره‌ی مردم هم

بیاید، آثارش به

کنترل تورم هم

ختم بشود، و

خواهد شد قطعاً.

۲. روش پیشرفت

منحصر به فرد ما:

این روش، روشی

است که از تمدن

خاص ما بر می‌آید.

بروکراسی هنوز

مانع آن است

علت نارضایتی ما چیست؟ یک دلیل آن این است که ما غرب را خوشبخت می‌دانیم، ژاپن را پیشرفته می‌بینیم. در چه پیشرفت کرده‌اند؟ در تکنولوژی....

دانش، از دست سرمایه‌داران صهیونیست، باید در بیاید تا ببینید تکنولوژی چقدر پیشرفت می‌کند! ما در توصیف تمدن غرب، ضعیف هستیم. بوی تعفن این تمدن را هنوز نشنیده ایم؛ صدای شکستن استخوان‌های این تمدن را هنوز نشنیده‌ایم. مرگ بر آمریکا می‌گوییم؛ علیه دشمنان هم تلاش می‌کنیم اما حالمان با این تمدن خوب است! اگر غربی‌ها در مدیریت تکنولوژی موفق بودند، بلد بودند به وسیله‌ی آن پول دربیاورند و مسلط باشند بر جهان، چرا آدم می‌کشند؟ چرا یمنیا را قتل عام می‌کنند؟ مگر تکنولوژی نداری؟ پولش را دربار، ما هم برده تکنولوژی تو می‌شویم! نمی‌تواند.

این دروغ است که صنعت آن‌ها پیشرفته است و به این دلیل از ما جلوتر هستند. این‌ها تا آدم‌کشی نکنند، جلوتر نیستند. نمی‌توانند همین مقدار از تکنولوژی‌شان را مدیریت کنند، باید بجنگند. در اقتصاد توانمند نیستند، باید قتل عام بکنند. بنا نیست ما صد سال منتظر بمانیم تا به غرب برسیم و تازه آن موقع غرب صد سال جلوتر برود. ما این پیشرفتی که تا به حال داشتیم بر اساس روش آن‌ها نبوده، "این جایگاه امید است" این است که ما امیدوار می‌شویم به آینده، ما راه تازه داریم.

ما با وجود این ساختار بروکراسی منحوس، پیشرفت داشته‌ایم. در بسیاری از عرصه ما وقتی پیشرفت کردیم، این پیشرفت‌ها ناشی از یک نوع عملکردی بوده که آن تمدنی است که ما داریم محقق می‌کنیم. پیشرفت‌های ما مثل غرب با ایده‌های نظام سرمایه‌داری نبوده، با ایده‌های جهادی بوده است. ما راه تازه‌ای داریم، راه تازه مان توسعه پیدا نکرده، قانونمند و ضابطه‌مند نشده است.

جهاد، عرصه امید و خدمت

۱. شناسایی موقعیت:

- الف. ویژگی آب و هوایی
- ب. توجه به وضعیت فرهنگی
- ج. نیازسنجی
- د. شناسایی مشکلات
- ه. شناسایی امکانات و ظرفیت‌های منطقه

۲. بررسی راهکار حل مشکلات و محرومیت‌ها:

- الف. گفتگو با افراد بومی محلی در خصوص محدودیت و مشکلات در منطقه هدف

- ب. بررسی مشکلات و محرومیت‌های منطقه از مسئولین ذی‌ربط
- ج. مشاهدات میدانی و استفاده از کارت مشاهده و چک‌لیست

۳. بررسی و تشکیل قرارگاه جهادی:

- الف. فراخوان و جذب نیروی انسانی
- ب. رشد و خودسازی اعضای جهادی (برگزاری دوره آموزشی در راستای آموزش‌های نیروهای جهادی و دوره‌های توجیهی)

۴. تشکیل کارگروه تولید محتوا: تولید ابزارهای رسانه‌ای اعم از تولید فیلم، پادکست و پوستر

۵. هماهنگی با مسئولین مربوطه منطقه‌ای و استانی: برخورداری از تسهیلات و ظرفیت‌های ویژه

۶. آماده‌سازی منطقه هدف: اسکان و بسترسازی فعالیت‌های جهادی در منطقه هدف

۷. بررسی امکانات و تأمین بودجه از ترجمان‌ها و نهادهای مربوطه

- الف. از اقداماتی که بایستی در حین فعالیت‌های جهادی صورت بگیرد، حذف موانع موجود در دوره است که می‌تواند در بهبود و روند شکل‌گیری فعالیت‌ها، به‌صورت کامل قابل اهمیت واقع شود.

- ب. یکی از اقداماتی که بایستی بعد از فعالیت جهادی صورت بگیرد ارزیابی عملکرد، بررسی ضعف‌ها و موارد مثبت است.

۸. روش‌های جذب:

- الف. نصب پوستر و برنوشته در سطح پردیس
- ب. اطلاع‌رسانی در کانال‌ها و گروه‌های فضای مجازی دانشگاه

- ج. تشکیل کارگروه‌های تبلیغات چهره به چهره در سطح خوابگاه‌ها و دانشگاه‌ها، در راستای جذب دانشجویان (به ویژه قشر خاکستری) برای حضور در برنامه جهادی
- تعداد افراد پیش‌بینی‌شده - نیروی جهادی که با توجه به کارکردهای ساحت‌های شش‌گانه - ی سند تحول بنیادین ارائه‌شده، حدود دو اتوبوس (معادل ۸۰ نفر) جهت اعزام به اردو برنامه‌ریزی شده است.
- طرح مسئله:

- طرح جهاد تدریس با رویکرد تمام ساحتی مبتنی بر سند تحول آموزش و پرورش، در تمامی مقاطع تحصیلی انجام می‌شود؛ در این طرح مسئله بایستی اردوی جهادی با محوریت تدریس و حلقه‌های میدانی در داخل مدارس و با محوریت فرعی عمرانی با هدف ترمیم و زیباسازی مدارس مناطق محروم، فعالیت کند.

- با توجه به ساحت‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که در ذیل آمده است، می‌توان اقداماتی را در جهت بهبود و هم‌افزایی کار جهاد تربیتی انجام داد.

۱. ساحت فناوری و علم
۲. ساحت هنری و زیبایی‌شناختی
۳. اقتصادی و مهارت‌آموزی
۴. سیاسی و اجتماعی
۵. دینی و اعتقادی
۶. سلامتی و تربیت بدنی

۱. ساحت علمی و فناوری: حل مشکلات تحصیلی با برگزاری جلسات آموزشی به صورت مستمر، اعم از:
- برگزاری جلسات مشاوره تحصیلی و مهارت‌های زندگی که عبارت است از خودشناسی، مدیریت زمان، اضطراب و استرس

- برگزاری کارگاه‌های مهارت‌آموزی با استفاده از دانشجو معلمان رشته‌ی مشاوره به‌صورت تماس تلفنی

- برگزاری دوره‌های هدایت تحصیلی و شغلی، ارائه‌ی ایده‌های جدید متناسب با بوم و با توجه به اقتضائات اقتصادی متناسب با بوم و با توجه به اقتضائات اقتصادی

۲. زیبایی‌شناختی و هنری:
- ترمیم و بازسازی مدارس
- ارائه آموزش‌های خلاقیت و نوآوری در زندگی اجتماعی
۳. اقتصادی و مهارت‌آموزی:
- آشنایی با کسب‌وکارهای خانگی
- آشنایی با حرفه‌ها و بازار کار موجود و آسیب‌های شغلی

- بیان و معرفی بسترهای مجازی کسب و کار
۴. سیاسی اجتماعی:

- امیدآفرینی و بیان پیشرفت‌های انقلاب اسلامی ایران در جهت همراهی قشر ضعیف فرهنگی و منطقه با جهادگران

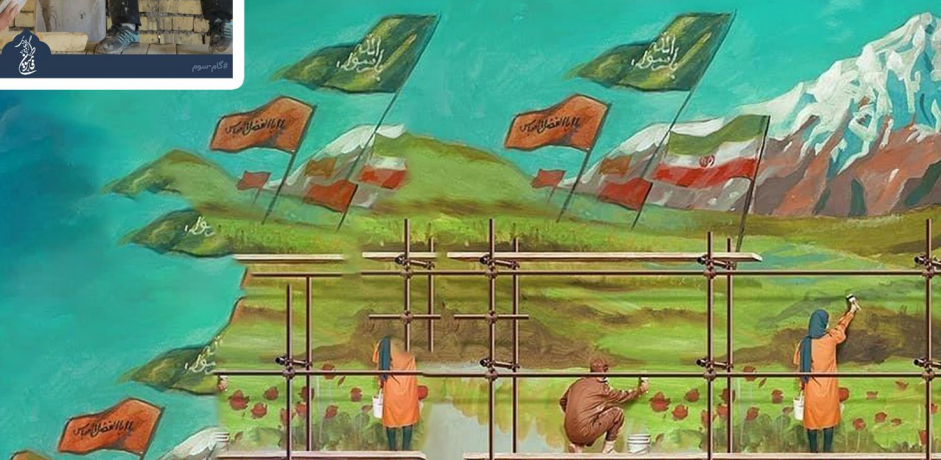
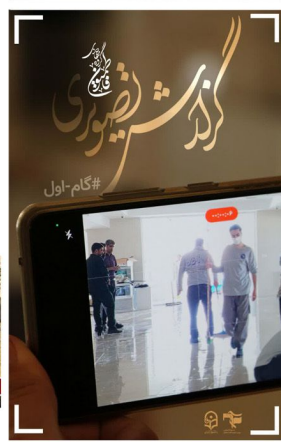
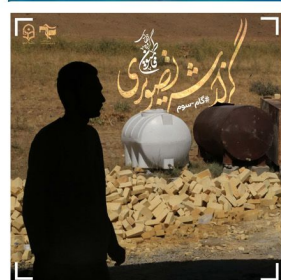
- برگزاری کارگاه ازدواج
- آشنا کردن با ظرفیت‌های اجتماعی از جمله: وام‌های روستایی، هیئت‌رئیس‌های خورشیدی و بسته‌های حمایتی مناطق محروم توسط کارگروه فرهنگی و اجتماعی گروه جهادی
۵. سلامتی و تربیت بدنی:

- برگزاری بازی‌های بومی محلی
- برگزاری بازی‌های ورزش‌های همگانی
- بررسی بهداشت عمومی اهالی منطقه.
۶. دینی و اعتقادی:

- توجه به اصل محبت، تکریم، احترام و تشویق
- زدودن و پرهیز از عیب‌جویی و سرزنش
- بهره‌گیری از ابزارها و رسانه‌های آموزشی
- بهره‌گیری از روش ایفای نقش از جمله قصه‌گویی و داستان‌گویی.



گزارش تصویری:



حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید

در روز اربعین که عشق حسین بن علی (ع) دل‌های مشتاق مؤمنین را به کربلا کشانده است، چراغی در حسینیۀ امام خمینی ره روشن است...

"مراسم عزاداری ظهر اربعین" با میهمانانی باصفا که در قوم و زبان با هم متفاوت‌اند و در عشق حسین (ع) با هم یکدل!

انتخاب هیئت‌های دانشجویی به عنوان مخاطب خاص این مراسم، حاکی از آن است که جوانان مخلص دانشجویی با همین هیئات باصفا و دانشجویی پیرو حرکت حضرت

حسین ابن علی (ع) هستند. همان‌طور که خطبه‌های کوبنده زینب (س) کاخ یزید را به لرزه درآورد، هیئات عزاداری و از جمله هیئات دانشجویی امروز کاخ ظالمان را به لرزه انداخته است تا آنجایی که حضرت امام ره فرمودند: آن‌ها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌های است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است! (صحیفه امام، ج ۱۰، ص: ۳۱۶)

رهبر انقلاب در ادامه اشاره می‌کنند به این که:

۱. نام امام حسین ۲. راه امام حسین و ۳. توسل و توجه به امام حسین راه گشاست

رهبر انقلاب در این فراز از سخنان خود به مسئله چندوجهی بودن هیئات اشاره کردند.

هیئت هم محل توسل است هم محل ذکر نام امام حسین و هم مبدأ برای پیمودن راه امام حسین.

واضح است که اگر هیئتی فقط به ذکر نام امام حسین (ع) بپردازد و از تبیین راه امام (ع) غافل شود، از آن مقام عظیم رو به انحطاط می‌رود اگر هیئتی فقط به راه امام (ع) بپردازد، و از توسل به امام (ع) و ذکر نام امام (ع) غافل

شود، باز هم دچار خطا شده است که عاشورا را همچون یک واقعه تاریخی نگریسته و جز چند تاریخ و واقعه بهره ای از آن نبرده است!

در مسئله امام حسین ع و عاشورا، مهم هماهنگی دل و عمل است. باید دل را متوجه حسین ابن علی ساخت و با توجه به این چراغ راه به راه افتاد؛ لذا رهبر انقلاب دقیقاً پس از مطرح کردن این مسئله به روایت "ان الحسین مصباح الهدی... " اشاره می‌کنند.



البته همان‌طور که اشاره شد، هیئت مبدأ است و مقصد نیست، لذا رهبر انقلاب به جوانان توصیه می‌کنند "مهم این است که بتوانیم این نورانیت را حفظ کنیم"

مگر چه خطری بر سر راه است که ممکن این نورانیت را به خطر بیندازد؟ رهبر انقلاب اشاره می‌کنند:

"جاذبه‌ها برای ایجاد زاویه با صراط مستقیم کم نیست!" و باید با اراده به جنگ این جاذبه‌ها رفت و مقاومت کرد.

اما حاصل این مقاومت چیست؟ هر جوان انقلابی با شنیدن این قسمت

از بیانات معظم له نور امید و البته هراس را در دل احساس می‌کند: فتح قله!

کاری که از زمان رسول خدا تا به حال انجام نگرفته است! قله حاکمیت دین خدا!

حاکمیت عدل! حال هراس برای چه؟ هراس از این که آیا ما آماده رفتن زیر چنین بار سنگینی هستیم؟

گویی رهبر انقلاب در پاسخ می‌فرماید: شما جوانان می‌توانید مایه امید باشید [و البته] مایه امید هستید!

اما راهش استقامت است: فاستقم كما امرت.

این استقامت از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

رهبر انقلاب پاسخ می‌دهد:

از راه بابرکت توجه و توسل به حسین ابن علی (ع)...

اراده جوانان دنیای اسلام باید در همین پیاده روی‌های اربعین تقویت شود تا بتوانند با بهره‌گیری از این عزم و همت، پرچم حاکمیت اسلام را بر قله‌ها بزنند؛ اینجاست که نقش تمدنی اربعین را در می‌یابیم و به همین خاطر است که می‌گوییم این اربعین امتداد راه زینب (س) است. آن شاء الله خداوند ما را از رهروان اهل بیت (ع) قرار دهد.

با توصیه آخر رهبر انقلاب به جوانان کلام را به پایان می‌رسانم: حسینی زندگی کنید و حسینی بمانید.

نویسنده:

خادم الشهدا

از من بپرس!

سلامی پرمهر به شما فرهیختگان گرامی، فرخنده باد ورود شما به این عرصه بزرگ علم و ادب. جایگاهی که والاترین ارزش را نزد خدا و پیامبران او دارد، اینجا جامعه بزرگ فرهنگیان است، جایگاهی که چشم امید یک ملت به پیشرفت آن دوخته شده، اینجا افسران پیشرفت تعلیم و تربیت ایران به سلاح جنگی فرهنگ و اصالت ایرانی اسلامی مجهز می‌شوند و خود را برای ورود به میدان نبرد و پرورش سربازان تمدن ساز و فاتح آماده می‌سازند.

دوست و همکار عزیز سلام! ورود شما را به عرصه انسان‌ساز و تمدن‌ساز نظام تعلیم و تربیت و کسب این موفقیت بزرگ را به شما تبریک عرض می‌کنم. قدر خودت را خیلی بدان،

چون پا به جهانی گذاشته‌ای که می‌توانی

خودت این جهان را

تغییر دهی، پس

توشه راه به اندازه

بردار که خیلی کار داری،

می‌دانم هفت خان سختی

را گذراندی تا به این روز شیرین

رسیدی؛ از دیو سپید کنکور

عبور کردی و ازدهای مصاحبه را

پشت سر گذاشتی تا به اینجا

رسیدی. به خودت افتخار کن

چون مستحق این موفقیت

بودی، امروز برای ادامه فرایند ثبت نام

به دانشگاه آمدی به خاطر همین می

خواهم با محیط دانشگاه آشنایت کنم.

اینجا پردیس شهید باهنر اصفهان واقع

در خیابان کاوه، خیابان تربیت معلم

است. ورودی دانشگاه سمت راست تا

قسمت سالن ورزشی دانشگاه. به

همین شکل خوابگاه‌ها و سراهای

دانشجویی قرار دارند؛ حالا برویم

جلوتر. مستقیم بعد از سرای

دانشجویی سمت چپ ساختمان

آموزش قرار دارد که همه کارهای

مربوط به انتخاب واحد و هماهنگی

دروس و استادان را می‌توانی با

مسئولین آموزش مطرح کنی.

حالا بیا تا با مسئولین دانشگاه

آشنایت کنم؛ ریاست دانشگاه فرهنگیان

استان و سرپرست پردیس شهید باهنر

آقای دکتر کجاف هستند و مسئول

آموزش پردی. آقای سپیانی، کارشناس

آموزش؛ آقای جنتیان، قلب تپنده

دانشگاه که امیدوارم فقط برای مواقع

کاری و اداری سراغ ایشان بروی؛ حراست

دانشگاه که آقای خودسیانی مسئول

این بخش هستند و مسئولین فرهنگی

دانشگاه هم آقای صادقی و باغی

هستند که برای فعالیت در تشکلهای

دانشجویی می‌توانید به این عزیزان

مراجعه کنید.

تقریباً می‌توانی ۲۰ الی ۲۴ واحد برداری که اگر معدل هر ترم شما ۱۷ به بالا باشد می‌توانی با هماهنگی آموزش ۲۴ ساعت بردارید ولی به عنوان یک ترم بالایی پیشنهاد میشه که طبق همون واحدهایی که دانشگاه براتون ارائه می‌کنه جلو برید بهتره. برای خریدن منابع کتب درسی به خیابان انقلاب، پاساژ شکری مراجعه کنید. اونجا همه منابع را می‌توانید پیدا کنید.

خوب بریم سراغ معرفی بسیج دانشجویی. اگر دوست داری در بسیج فعالیت داشته باشی و در متحول ساختن جامعه خودت سهیم باشی می‌توانی ما را در بسیج همراهی کنی که این خیلی باعث افتخار ماست که در کنار یک دیگر به خودسازی برسیم.

مسئول بسیج دانشجویی پردیس

باهنر آقای محمد مرادی چادگان

هستند که می‌توانی با ایشان

ارتباط بگیری و دغدغه‌ها و

مطالبه‌هایی را که داری از

ایشان پیگیری کنی؛ اگر

قصد داری در معاونت

های دانشجویی فعالیت

داشته باشی و ما را در

رسیدن به رسالت و هدف

اصلی جایگاه خودمان

کمک کنی، همین الان در

غرفه بسیج دانشجویی

که روبروی ساختمان

آموزش برپا شده، فرم

درخواست عضویت را تکمیل

کن تا دوستانمون بعد از

استعداد سنجی، شما رو در معاونت

هایی که علاقه دارید عضو کنند و

بتوانید فعالیت خودتان را شروع کنید،

پس عجله کن که تحول آموزش و

پرورش به وجود تو و ایدئولوژی تو نیاز

دارد؛ اینجا چند تا شماره از معاونت

های بسیج دانشجویی برایت می

نویسم تا راحت‌تر با دوستانت در بسیج

دانشجویی ارتباط بگیری، یا حق

خدانگهدار.

چند تا نکته هم باید خدمت شما

بگویم؛ اولش این است که شما ترم

اول نیاز نیست انتخاب واحد کنید و

خود دانشگاه برای شما انتخاب واحد

را انجام می‌دهد و در ترم‌های بعدی

هم دانشگاه دروس را تعیین می‌کند و

فقط شما تأیید می‌کنید، بنابراین ما در

دانشگاه فرهنگیان انتخاب واحد

نداریم و فقط یک انتصاب واحد وجود

دارد و برای دیدن برنامه کلاسی باید به

سایت گلستان دانشگاه فرهنگیان

مراجعه کنید و در قسمت نوار

جستجوی پایین صفحه کد ۷۸ یا ۸۸ را

بزنید و در مرحله بعدی می‌توانید

برنامه کلاسی را مشاهده کنید. هر ترم

نویسنده:

علیرضا باقری

راديو

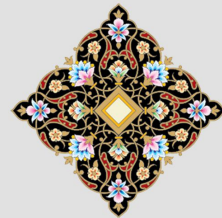


تحریر





نشریه



معتبرترین و با سابقه ترین نشریه دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان

فراخوان همکاری نشریه تحریر

نشریه تحریر، از میان همکاران علاقه مند و فعال عضو می پذیرد:

در زمینه های:

ایده پردازی

ویراستاری

نویسندگی

طراحی و گرافیک

تدوین کلیپ

گویندگی

برای عضویت و کسب اطلاعات بیشتر با شماره و آیدی زیر در پیام رسان ایتا ارتباط بگیرید

۰۹۳۷۱۷۵۹۰۶۹

@nashryeh_tahrir



دانشگاه فرهنگیان



تحریر

ماہنامہ دانشجویی تحریر دانشگاه فرهنگیان
T A H R I R